

تأملاتی تاریخی بر کارکرد رسانه در بازتولید فرهنگ ملی ایرانیان

ما را به کجای می‌برند؟



اگر روند جهانی سازی در دوره «پیش صنعتی» با فتح قاره آمریکا در ۱۴۹۲ میلادی و شتاب استعمار اقتصادی در ابتدای قرن ۱۷ پس از تأسیس شرکت هلندی «کمپانی سرمایه‌گذاری هند شرقی» آغاز شد و در «دوره صنعتی» با رشد روز افزون صنعتی اروپای قرن ۱۸ و ۱۹ و شکل‌گیری نظام نوین اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بر سرعت خود افزود، در دوره «فرصت‌گویی» اما این تنها اقتصاد نیست که یک تاز میدان تسخیر جهان است، بلکه «انقلاب انفورماتیک» یا همان تعبیر پر مفهوم «انفجار اطلاعات» است که پس از دهه ۱۹۷۰ آرایش چهره روزگار را ترسیم کرده و الگوهای اداره فکر و فردای مردمان را ترسیم می‌کند. در این الگوها رسانه‌ها سبک اندیشه و اقدام انسان‌ها را باز تولید می‌کنند و لحن گفتمان و همه ارزش‌های فکری و اجتماعی یا همان فرهنگ جوامع توسط رسانه‌ها تنظیم و ارایه می‌شود.

رسانه رساله

بسیاری از اندیشوران، هویت ملی ایرانیان در دوران کنونی را متأثر از سه مؤلفه اساسی «ایران»، «اسلام» و «غرب» دانسته‌اند. آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن غربی به مقطع تاریخی و عبرت‌آموز شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس در عهد قاجار و آغاز چالش میان هویت ایرانی اسلامی با فرهنگ مهاجم غربی باز می‌گردد که این جدال سخت تا به امروز جدی‌تر و همه‌جانبه‌تر شده است.

«صفویه» به عنوان سلسله‌ای پادشاهی، از بی‌عدالتی‌های حکومت‌های شاهی میرا نبوده و نیست. آن‌چه اما این برهه تاریخ را مورد توجه منصفان قرار داده، نه و جوه سلبی آن که جنبه ایجابی این سلسله است که سرآغاز تحولی نوین در تاریخ ایران با عنوان «بازتعریف هویت ایرانی» به شمار می‌آید. رمز

محمدرحسین ظریفیان یگانه



اشاره

«رسانه همان پیام است». این سخن را جوهره اندیشه مارشال مک‌لوهان، مبدع نظریه دهکده جهانی، دانسته‌اند که با شناخت منظومه فکری او و دیگر همسلکانش در مغرب زمین درمی‌یابیم که برداشت ایشان از کارکرد رسانه در پروژه جهانی‌سازی بیپهوده و ناروا نیست. آن‌چه موجب حیرت می‌شود، غفلت کسانی است که در این سوی زمین هنوز رسانه را ابزار می‌پندارند. صورت مسئله اما بسیار ساده است. پروژه جهانی‌سازی و نه جهانی شدن - که غرب مدرن اصرار دارد این هژمونی را در قالب «شدن» به کار برد - در آغاز با تکیه بر گزاره‌های اقتصادی قدیم به عرصه گفتمان جهانی نهاد؛ ولی دیری نپایید که مأموریت نهان خود را در ابعاد سیاست و فرهنگ فاش ساخته و سعی در تحمیل اراده خویش بر جهان و دیگر گونی هویت‌ها دارد. از آن روست که ارتباطات به عنوان کلیدی‌ترین علم و صنعت این آوردگاه هیچ‌گاه چون امروز اهمیت نداشته و این همه به رشد سرسام‌آور رسانه‌های دیجیتال انجامیده است؛ رشدی که با اخراج ادراکات بشری از قالب‌های زمان، مکان، تاریخ، فرهنگ و در یک کلمه «هویت بومی»، همه چارچوب‌های اساسی بشری را می‌شکند.

پایه‌گذاری این تحول و توفیق در این عرصه را می‌باید در شریعت‌مداری و موقعیت‌شناسی مؤسسان این سلسله در درک واقعیت‌ها و نیازمندی‌های واقعی ایرانیان دانست.^۳

هنر صفویه پس از ۹ قرن از ورود اسلام به ایران، ایجاد یکپارچگی در سرزمینی بود که از شمال به چین امروز، از جنوب به دو زاویه خلیج فارس، از شرق به قندهار و کابل و از غرب به بین‌النهرین منتهی می‌شد و ۱۵ حکومت در آن حکمفرمایی می‌کردند. این یکپارچگی جز در سایه بازتعریف فرهنگ ملی و با وارد ساختن قوی عنصر مذهب در عنصر ملیت میسر نشد.

این قوم، مرهون نقش آفرینی جدی عالمان و فقیهان و محدثان شیعی در جای‌جای تثبیت این هویت است؛^۴ هویتی که با اجابت دعوت از سوی عالمان بزرگ شیعی چون محقق کرکی رضوان الله علیه و پذیرش مسئولیت نایب السلطنه شاه طهماسب صفوی از سوی وی و اعلام اثر فقهی «قواعد» علامه حلی به عنوان یگانه مرجع قوانین حقوقی از سوی شاه اسماعیل و تربیت شاکردان فراوان و تبلیغ و تبیین اصول مذهب شیعه و حمایت از اقدامات دین‌مدارانه حکومت صفویه ریشه‌دار شد و از رسانه‌های محدود آن زمان هم‌چون کتاب‌ها و رساله‌ها و بیانیه‌ها و نامه‌ها و خطابه و وعظ و ارتباطات چهره به چهره، نیک بهره جست.

تأثیرگذارترین و موج‌آفرین‌ترین رسانه آن روز که پس از آن نیز در سخت‌ترین تهدیدها علیه هویت ملی ایران به کار آمد، «رساله‌ها» و «بیانیه‌ها»های عالمان و فقیهان بزرگی است که ضمن یادآوری آموزه‌های اسلامی ایرانی در بازتولید و تقویت هویت ملی، به شدت مؤثر می‌افتاد. تاریخ توانسته است تعداد فراوانی از این رساله‌ها را در خود ثبت کند که رساله جهادیه مرحوم آیت الله سیدمحمد مجاهد (ره) و فتوای کوتاه، پر مضمون و انقلابی میرزای بزرگ شیرازی (ره) در تحریم تنباکو از آن جمله‌اند.^۵

هویت در محاق

نفوذ مدرنیته و مظاهر آن زودتر از آن‌چه تصور می‌شد، مشخصه‌های هویتی ایران را دچار اختلال کرد. این اختلال نخست از ناحیه منورالفکران صدر مشروطه بر هویت ملی تحمیل شد. شتابزدگی و خودباختگی جریان روشنفکری از یک سو و اوج ضعف و انحطاط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قاجار

از سوی دیگر، انگیزه و توان بازتعریف مفاهیم نو را سلب کرد؛ چنان‌که نگاه ژرف فقیهان نامداری چون مرحوم آخوند خراسانی (ره) و میرزای نایینی (ره) در بازتولید هویت ملی ایرانی در مواجهه با مفاهیم جدیدی چون عدالتخانه، مشروطیت، مجلس شورا، قانون، آزادی و ... کارگر نیفتاد و خروش دین‌مداران بزرگی چون شهید آیت الله شیخ فضل الله نوری (ره) و شهید آیت الله بهبهانی (ره) نیز فرجامی جز شهادت، حرمان و ترور نداشت.^۶

بحران هویتی که ریشه‌های فکری و فلسفی آن در دوران پرفراز و نشیب مشروطه شکل گرفت، در دوران سیاه پهلوی به اوج خود رسید. گناه اصلی اما بر عهده کسانی بود که با سطحی‌ترین و مبتذل‌ترین برداشت از مدرنیته تنها ظواهر مادی آن را فهم کردند و سالیان درازی رسانه‌های نوظهور را به استخدام این دریافت کودکانه خویش درآوردند. دیدگاهی که رمز پیشرفت ایران و ایرانی را در فرنگی شدن از «فرق سر تا ناخن پا»^۷ می‌دانست و ثمره آن، رونق فرهنگ عوامانه برای سرگرم کردن توده‌ها به جای فرهنگ عامیانه برآمده از هویت ملی شد.

فاجعه‌بارترین آسیب بحران در هویت ایرانی را می‌توان در ایجاد شکاف میان دو عنصر ملیت و ایرانی بودن به نظاره نشست. این ساحت رسانه بود که چون باتلاقی، جامعه فکری ایران را در محاق تصور بی‌هویتی فرو می‌برد؛ تصویری که با تلقین‌های پی‌در پی در کتاب‌ها، رمان‌ها، اشعار، نشریات، روزنامه‌ها و بعدها در نمایش‌ها و فیلم‌ها به تصدیق تبدیل گشته و در حقیقت معلول استیلاهی فرهنگی غلط و وابسته بر ملتی بود که نه تنها به فقر فرهنگی مبتلا نبود که بر قیمتی‌ترین گنج‌ها تکیه زده بود و «آن‌چه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد».

آغازی بر یک پایان

دغدغه ابتدایی به بی‌خودی و فراموشی خودی و لزوم بازگشت به خودی خود - که همان هویت اسلامی ایرانیان است - موضوعی بود که سال‌های سال اذهان برخی نخبگان جامعه ایران را به خود مشغول کرده بود. نخست طیفی از روشنفکران که سعی در توجیه روشنفکرانه دین داشت و به جریان «نوگرایی دینی» شهرت یافت. «جلال آل احمد» که برای اولین بار به طور جدی با انتشار دو کتاب «غرب‌زدگی» و «در خدمت و خیانت روشنفکران» به بحران هویت ملی و دست‌اندازی غریبان و غرب‌زدگان به آن از دیدگاه غرب‌زدگی پرداخت، اندیشه بازگشت به هویت خودی را پی گرفت و آن را ناظر به درمان پدیده روانی خاصی دانست که در طول دوره‌های مختلف با انگیزه نابودی اعتماد به نفس و باور به توانمندی خویشتن و هویت ملی به نخبگان و توده‌ها تلقین شده بود.^۸

دومین و مهم‌ترین جریان فکری که دغدغه‌مند هویت ملی ایران بود، از یک سو فرهنگ اسلامی و شاکله هویت دینی ایران را به درستی فهم کرده بود و از سوی دیگر با بدنه اجتماعی و اقشار گوناگون ملت ارتباطی دیرین و عمیق داشت. ادبیات این جریان دینی برخاسته از متن حوزه‌های علمیه و طبقات متدینین بود. اوج این اقبال و علقه را می‌توان در سبک بیان و مفاهیم سلسله جنبان این جریان فکری یعنی حضرت امام خمینی (ره) در کشاکش پانزده سال مبارزه و یک دهه رهبری امت مشاهده کرد. امام (ره) که فهمی عمیق و دقیق از رسانه

و کارکرد آن داشت به خوبی در دوران پرفراز و نشیب پیشوایی ملت با صدور اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها و انجام گفت و شنودها و مصاحبه‌های رادیو - تلویزیونی اندیشه و آرمان هویت بخش خود را - که مبرم‌ترین نیازهای ملت بود - فرهنگ‌سازی کرد.^۱

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حاکمیت نظام مردم سالاری دینی، فصلی نوین و بی‌بدیل از بازتولید هویت ملی ایرانیان را پیش روی جهانیان گشود که می‌کوشد با نفی نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و عمق بخشیدن به پیوند دو عنصر مذهب و ملیت «نقشه پیشرفت اسلامی - ایرانی» را ترسیم کند و در پس آن با بازتولید هویت ملی ایرانیان در عصر حاضر نوید بخش تمدن باشکوه اسلامی باشد. هر چند به فرموده رهبر فرزانه انقلاب اسلامی «[تدوین نقشه پیشرفت اسلامی ایرانی] به طور کامل انجام نگرفته است و باید بشود. اما همین که ما فهمیده‌ایم که باید برگردیم به نقشه اسلامی - ایرانی، این خودش موفقیت بزرگی است»^{۱۱}

رسالت رسانه‌ها - که «امروز در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسان‌ها را القامی کند، تعیین کننده هستند... و می‌توانند ملت‌هایی را از هویت انسانی خودشان و هویت ملی‌شان تهی کنند»^{۱۲} در این میان بی‌بدیل و تاریخ‌ساز است. چه آن‌که جهت‌دهی افکار عمومی برای بازشناسی و فهم عمیق و باورمندی نسبت به مؤلفه‌های هویت ملی و ایجاد فضای مطالبه «نقشه پیشرفت اسلامی - ایرانی» تابعی از دلبستگی و میزان دغدغه‌مندی اصحاب رسانه و باور و انگیزه حاکمان و نگاه دولت‌ها^{۱۳} در هر دوره است. امروز و پس از گذشت سه دهه از حیات مبارک نظام اسلامی و عبور از عقبه‌های دشوار و کسب تجربه‌های تلخ و شیرین از حاکمیت جریان‌های گوناگون فکری سیاسی از ملی‌گرایان و لیبرال‌ها و اخلاف ناصالحشان در دوره اصلاحات - که خاطره غم‌انگیز حرکت به سوی ایجاد بحران در هویت ملی و شارلاتانیزم مطبوعاتی دوران مشروطیت را تجدید نمودند^{۱۴} - گرفته تا نیروهای معتقد به اصول و آرمان‌های نظام اسلامی و مکتبی، طلیعه و برکات حاکمیت نگاه اصول‌گرایانه با تکیه بر بازگشت به شعارهای اساسی انقلاب اسلامی و باورمندی به گفتمان «ما می‌توانیم» بیش از پیش هویدا و امیدبخش است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مارشال مک لوهان، برای درک رسانه‌ها، ترجمه سعید آذری، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۷۷.
۲. معمولاً رسم غربیان بر این است که هژمونی را در قالب «شدن» به کار می‌برند؛ یعنی یک فرآیند و اتفاق که قهراً در حال رخ دادن است. از این رو از آن به عنوان «گلوبالی‌زیشن» یاد می‌کنند و نه «گلوبالیسم». این بهترین شیوه برای افکار توده‌هاست.
۳. موسی نجفی، و موسی حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران و تکوین دولت - ملت در گستره هویت ملی ایرانیان، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴، صص ۴۱ - ۳۹.
۴. همان، ص ۵۰.
۵. سعید زاهد، جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران، انتشارات سروش، ۱۳۸۱، ص ۹۰.
۶. سیدمصطفی تقوی، فراز و فرود مشروطه، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴، صص ۲۴۲ و ۲۴۳.
۷. درباره بهره‌گیری شیخ شهید (ره) از رسانه‌های مکتوب و فضای سیاه آن دوران در عدم چاپ بیانیه‌ها و لوایح ایشان و اقدام وی برای خرید دستگاه چاپ رک؛ جمعی

- از نویسندگان مجله حوزه، روحانیت و مشروطه، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵، صص ۴۲۰ - ۴۲۲.
۸. اشاره به سخن مشهور میرزا ملکم خان ناظم الدوله، پدر روشنفکری بیمار در ایران، رک: سیدجلال الدین مدنی، تاریخی سیاسی معاصر ایران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۹۵.
۹. حمید پارسا، حدیث پیمانه، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۸۰، ص ۳۴۴.
۱۰. برای نمونه ایشان می‌فرماید: «ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم. ما که خودمان را کم کرده بودیم باید این «خود کم کرده» را پیدا کنیم». کلمات قصار امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ۱۳۷۲، ص ۷۳.
۱۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری مد ظله، بیانات معظم له در دیدار استاد و دانشجویان دانشگاه شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴.
۱۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری مد ظله - بیانات معظم له در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌های کشورهای مختلف، ۱۳۸۵/۲/۲۶.
۱۳. شورای فرهنگ عمومی کشور در خرداد سال جاری با تدوین «سند هویت ملی ایرانیان»، عناصر آن را بدین ترتیب تبیین نمود: ۱. روح معنویت، تعبد و توحید. ۲. اسلام مبتنی بر معارف قرآن کریم و مودت اهل بیت (ع). ۳. ولایت‌مداری. ۴. سرزمین ایران. ۵. زبان و خط پارسی. ۶. تمدن و تاریخ ایران. ۷. مهدویت، انتظار و رسالت تاریخی ایران. خیرگزاری فارس به نقل از دکتر منصور واعظی، دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور، ۸۷/۳/۲۱. ناگفته نماند که نگاه ارزش مدارانه و مکتبی دولت نهم در تدوین این سند متبلور است.
۱۴. رک: جهاندار امیری، اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب و پادخوانده‌ها، مرکز اسناد انقلاب اسلامی - ۱۳۸۶، صص ۱۵۰ - ۱۴۱ و ۱۹۳ - ۱۸۹.

«جلال آل احمد» که برای اولین بار به طور جدی با انتشار دو کتاب «غربزدگی» و «در خدمت و خیانت روشنفکران» به بحران هویت ملی و دست‌اندازی غربیان و غربزدگان به آن از دیدگاه غربزدگی پرداخت. اندیشه بازگشت به هویت خودی را پی گرفت و آن را ناظر به درمان پدیده روانی خاصی دانست که در طول دوره‌های مختلف با انگیزه باور به توانمندی و نفس و هویت ملی به نخبگان و توده‌ها تلقین شده بود.

مجموعه مقالات فریسی
براهام جامع علوم انسانی